

برآورد جامعه اطلاعاتی آمریکا از توانایی‌های ایران، روسیه، چین و کره شمالی

مارس ۲۰۲۵

گزارش سالانه ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا از مخاطراتی که پیش‌روی ایالات متحده قرار داد، یکی از مهم‌ترین گزارش‌های سالانه و ادواری است که در آمریکا منتشر می‌شود و آخرین برآوردهای جامعه اطلاعاتی آمریکا از توانمندی‌ها و وضعیت کشورهای متخاصم آمریکا را نشان می‌دهد. متن زیر گزارش ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۲۵ است که به همت «کانال تلگرامی روندنگار بین‌الملل» ترجمه و در اختیار مخاطبین قرار می‌گیرد.



کانال تلگرامی روندنگار بین‌الملل

@Ravandnegarr



گزارش ارزیابی تهدیدات سال ۲۰۲۵ (ATA) ارزیابی رسمی جامعه اطلاعاتی (IC) از مجموعه تهدیدات علیه شهروندان ایالات متحده، سرزمین اصلی آمریکا و منافع ایالات متحده در سراسر جهان است. مجموعه‌ای متنوع از بازیگران خارجی در حال هدف قرار دادن سلامت و ایمنی شهروندان آمریکا، زیرساخت‌های حیاتی، صنایع، ثروت و دولت این کشور هستند. دشمنان دولتی و نیروهای نیابتی آن‌ها تلاش می‌کنند تا قدرت اقتصادی و نظامی ایالات متحده را در مناطق خود و در سطح جهانی تضعیف کرده و جابجا کنند. هر دو نوع بازیگران دولتی و غیردولتی تهدیدات فوری متعددی علیه سرزمین اصلی آمریکا و منافع ملی این کشور ایجاد می‌کنند. سازمان‌های تروریستی و جنایتکار فراملی مستقیماً شهروندان ما را تهدید می‌کنند. کارتل‌ها مسئول بیش از ۵۲,۰۰۰ مرگ‌ومیر ناشی از مصرف مواد مخدر مصنوعی در ایالات متحده در ۱۲ ماه منتهی به اکتبر ۲۰۲۴ هستند و به تسهیل ورود نزدیک به سه میلیون مهاجر غیرقانونی به جامعه آمریکا در سال ۲۰۲۴ کمک کرده‌اند، که این امر منابع و ثروت جامعه ما را تحت فشار قرار داده است. بازیگران سایبری و اطلاعاتی، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، توسط دولت‌ها، مانند چین و هند، به‌عنوان منشأ قاچاقچیان مواد مخدر و تجهیزات آن‌ها، فعال شده‌اند. دشمنان دولتی دارای تسلیحاتی هستند که می‌توانند قلمرو ایالات متحده را هدف قرار دهند یا سیستم‌های حیاتی آمریکا را در فضا، برای اهداف اجباری یا جنگ واقعی، غیرفعال کنند. این تهدیدات یکدیگر را تقویت می‌کنند و محیط امنیتی پیچیده‌تر و خطرناک‌تری ایجاد می‌کنند.

روسیه، چین، ایران و کره شمالی، به‌صورت جداگانه و جمعی، منافع ایالات متحده را در سراسر جهان با حمله یا تهدید به دیگران در مناطق خود، با استفاده از تاکتیک‌های قدرت سخت و نرم به‌صورت نامتقارن و متعارف، و ترویج سیستم‌های جایگزین برای رقابت با ایالات متحده، به‌ویژه در حوزه‌های تجارت، مالی و امنیت، به چالش می‌کشند. آن‌ها از طریق کمپین‌های هدفمند به دنبال کسب مزیت هستند، در حالی که از جنگ مستقیم اجتناب می‌کنند. همکاری رو به رشد بین این دشمنان و افزایش قدرت آن‌ها در برابر ایالات متحده، احتمال درگیری با هر یک از آن‌ها را افزایش می‌دهد و فشار را بر دیگر بازیگران جهانی برای انتخاب طرف تشدید می‌کند. گزارش ارزیابی تهدیدات سال ۲۰۲۵ از تعهد دفتر مدیر اطلاعات ملی به آگاه‌سازی کنگره ایالات متحده و مردم آمریکا از تهدیدات علیه امنیت ملی حمایت می‌کند و نشان‌دهنده تعهد جامعه اطلاعاتی به نظارت، ارزیابی و هشدار درباره تهدیدات از همه انواع است. در تهیه این ارزیابی، جامعه اطلاعاتی با تمام اجزای دولت ایالات متحده و همچنین شرکای خارجی و کارشناسان، همکاری نزدیک داشته تا به موقع‌ترین، عینی‌ترین و مفیدترین بینش‌ها را برای هشدار استراتژیک و تصمیم‌گیری به نفع ایالات متحده ارائه دهد. ارزیابی تهدیدات سال ۲۰۲۵ این تهدیدات بی‌شمار را به تفصیل، بر اساس بازیگر یا عامل، ابتدا با بازیگران غیردولتی و سپس تهدیدات ناشی از بازیگران دولتی اصلی، شرح می‌دهد. جامعه اطلاعاتی آماده است تا با ارائه اطلاعات بیشتر در محیطی طبقه‌بندی‌شده، از سیاست‌گذاران حمایت کند.



بازیگران دولتی اصلی

چندین بازیگر دولتی اصلی تهدیدات نزدیک و پایداری را علیه ایالات متحده و منافع آن در جهان ایجاد می‌کنند و از نظر نظامی و اقتصادی، قدرت ایالات متحده را به چالش می‌کشند. چین به‌عنوان بازیگری که بیش از همه توانایی تهدید منافع جهانی ایالات متحده را دارد، برجسته است، در حالی که روسیه، ایران و کره شمالی نیز با اقدامات تهاجمی و مغل خود، تصویر اقتصادی و دیپلماتیک خود را در جهان به خطر می‌اندازند. همکاری رو به رشد بین این بازیگران، تهدید را گسترش می‌دهد و خطر درگیری با هر یک از آن‌ها را افزایش می‌دهد، که ممکن است دیگران را نیز به درگیری بکشاند.

چین

پرزیدنت شی جین‌پینگ و جمهوری خلق چین (PRC) می‌خواهند تا سال ۲۰۴۹ به احیا و تجدید بزرگ ملت چین دست یابند. جمهوری خلق چین به دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود، شکل‌دهی به رویدادهای جهانی به نفع منافع، دفاع از چین، و دفع چالش‌ها علیه اعتبار، مشروعیت و توانایی‌هایش در داخل و خارج از کشور است. پکن به شدت به نیت و اقدامات ایالات متحده و واشنگتن مشکوک و معتقد است که این اقدامات بخشی از یک برنامه هماهنگ و گسترده دولتی، همراه با متحدان و شرکای ایالات متحده، برای محدود کردن پیشرفت و تضعیف جمهوری خلق چین است. به همین دلیل، پکن تلاش می‌کند تا از اتحاد قوی میان رهبران خود محافظت کند و در عین حال اتحاد میان ایالات متحده و متحدانش را تضعیف کند، و بخشی از این کار را از طریق تقویت روابط با کشورهایمانند روسیه و کره شمالی انجام می‌دهد. در عین حال، رهبران چین به دنبال فرصت‌هایی برای کاهش تنش با واشنگتن هستند، زمانی که معتقدند این امر به نفع پکن است، از منافع اصلی خود محافظت می‌کند و زمان را برای تقویت موقعیت خود می‌خرد. چین احتمالاً به حفظ موضع خود برای کسب مزیت در یک درگیری احتمالی با ایالات متحده ادامه خواهد داد. چین به فشار بر تایوان برای اتحاد و انجام عملیات سایبری گسترده علیه اهداف ایالات متحده برای کسب مزیت جاسوسی و استراتژیک ادامه خواهد داد. چین احتمالاً با دشواری در محدود کردن فعالیت‌های شرکت‌ها و عناصر جنایی که پیش‌سازهای فنتانیل و مواد مخدر مصنوعی را تأمین و قاچاق می‌کنند، مواجه خواهد شد، به دلیل عدم اجرای اقدامات قانونی قوی‌تر.

عملیات نظامی چین در دریای چین جنوبی و شرقی به‌طور مداوم بر تایوان و تلاش‌ها برای ادعای حاکمیت در این مناطق فشار می‌آورد، که محاسبات نادرست بالقوه‌ای را ایجاد می‌کند که می‌تواند به درگیری منجر شود. چین توانایی به خطر انداختن زیرساخت‌های ایالات متحده از طریق قابلیت‌های سایبری پیشرفته‌ای را نشان داده است که می‌تواند در یک درگیری با ایالات متحده به کار گرفته شود. پکن به تقویت قابلیت‌های نظامی متعارف و نیروهای استراتژیک خود، تشدید رقابت در فضا، و حفظ برتری اقتصادی صنعتی و فناوری محور خود برای رقابت با قدرت اقتصادی و رهبری جهانی ایالات متحده ادامه خواهد داد.



وضعیت نظامی چین

چین بزرگ‌ترین و قوی‌ترین تهدید نظامی را برای امنیت ملی ایالات متحده ایجاد می‌کند. ارتش آزادی‌بخش خلق (ارتش آزادی‌بخش) یک نیروی مشترک است که توانایی جنگ تمام‌طیفی را برای به چالش کشیدن دخالت ایالات متحده در منطقه، ادعاهای سرزمینی، و تقویت قدرت جهانی چین دارد. تلاش‌های چین برای نوسازی نظامی عمدتاً بر توسعه قابلیت‌های ضددخالت متمرکز است که برای مقابله با همه جنبه‌های عملیات نظامی ایالات متحده و متحدانش در اقیانوس آرام طراحی شده است. پکن قصد دارد تا سال‌های ۲۰۲۷ و ۲۰۳۵ نقاط عطف کلیدی نوسازی را محقق کند و ارتش آزادی‌بخش را تا سال ۲۰۴۹ به یک ارتش در سطح جهانی تبدیل کند. نمونه‌هایی از پیشرفت‌های ارتش آزادی‌بخش در سال ۲۰۲۴ شامل سومین ناو هواپیمابر نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش (سی‌وی-۱۸ فوجیان) است که آزمایش‌های دریایی را آغاز کرده و نمونه دیگر موشک بالستیک دی‌اف-۲۷ با قابلیت پرواز مافوق صوت است که برد تخمینی آن بین ۵,۰۰۰ تا ۸,۰۰۰ کیلومتر محاسبه می‌شود. نیروهای زمینی ارتش آزادی‌بخش همچنین پیشرفته‌ترین پرتابگر موشک چندگانه خود، یعنی پی‌سی‌اچ ۱۹۱، را به کار گرفته‌اند که توانایی ضربه دقیق و دوربرد آن را افزایش می‌دهد.

ارتش آزادی‌بخش ساختار نیروی خود را بهبود بخشیده و آمادگی و آموزش را ارتقا داده است. ارتش آزادی‌بخش احتمالاً پیشرفت‌های خاصی در حوزه‌های حیاتی، مانند نوسازی نیروهای زمینی، گسترش نیروی دریایی با تجهیزات مدرن‌تر، و توسعه سیستم‌های موشکی جدید، داشته و همچنین قابلیت‌های جنگ الکترونیک (جنگ الکترونیک) خود را بهبود داده است. ارتش آزادی‌بخش توانایی انجام حملات دقیق و دوربرد با تسلیحات متعارف را علیه سرزمین اصلی ایالات متحده در اقیانوس آرام غربی، از جمله گوام، هاوایی و آلاسکا، دارد. چین مجموعه‌ای از موشک‌های بالستیک و کروز با محموله‌های متعارف را توسعه داده است که می‌توانند از سرزمین اصلی چین یا از طریق هوا و دریا، با توان هسته‌ای یا متعارف، شلیک شوند. چین ممکن است در حال بررسی توسعه تسلیحات قاره‌پیمای هسته‌ای باشد که در صورت عملیاتی شدن، به چین اجازه می‌دهد حملات متعارف را علیه اهداف در سرزمین اصلی ایالات متحده انجام دهد.

ارتش آزادی‌بخش به دنبال ایجاد پایگاه‌های نظامی و توافق‌نامه‌های دسترسی در خارج از کشور است تا قدرت خود را گسترش دهد و از منافع چین در خارج محافظت کند. پکن ممکن است ترکیبی از مدل‌های لجستیکی نظامی را دنبال کند، از جمله دسترسی ترجیحی به زیرساخت‌های تجاری در خارج، امکانات لجستیکی اختصاصی ارتش آزادی‌بخش با تجهیزات از پیش مستقر شده همراه با زیرساخت‌های تجاری، و پایگاه‌هایی با نیروهای ثابت، برای تأمین نیازهای لجستیکی نظامی خود در خارج از کشور. چین در حال انجام عملیات پیچیده و گسترده‌ای است که شامل کمپین‌های نظامی و اقتصادی است و ابزارهای مخرب بیشتری را برای درگیری تمام‌طیفی در اختیار دارد. پکن احتمالاً این کمپین‌ها را برای پیشبرد اتحاد با تایوان، گسترش قدرت خود در شرق آسیا، و تضعیف برتری ایالات متحده، افزایش خواهد داد. پکن در



برابر عملیات نظامی ایالات متحده، مانند پروازهای شناسایی، عملیات آزادی ناوبری، و تمرین‌های نظامی در نزدیکی مرزها و ادعاهای دریایی جمهوری خلق چین، واکنش نشان داده است. ارتش آزادی‌بخش به‌طور منظم نیروهای ایالات متحده را رهگیری و تعقیب می‌کند و گاهی اوقات مانورهای ناامنی در نزدیکی آن‌ها انجام می‌دهد.

تایوان و مناطق حساس دریایی

در سال ۲۰۲۵، پکن احتمالاً فشارهای بیشتری بر تایوان وارد خواهد کرد و حمایت ایالات متحده از این جزیره را برای رسیدن به هدف نهایی خود، یعنی اتحاد با تایوان، بیشتر می‌کند. چین خواستار اتحاد آرام و بدون درگیری با تایوان است تا مسئله جنگ داخلی که باعث جدایی تایوان شده را حل کند، اما تهدید کرده که اگر لازم باشد، برای مقابله با آنچه تلاش ایالات متحده برای جلوگیری از پیشرفت چین می‌داند، از زور استفاده کند. درگیری بین چین و تایوان می‌تواند دسترسی ایالات متحده به تجارت و فناوری نیمه‌هادی را که برای اقتصاد جهانی بسیار مهم است، مختل کند. حتی اگر ایالات متحده مستقیماً در این درگیری دخالت نکند، این موضوع پیامدهای جدی و پرهزینه‌ای برای منافع اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و جهان خواهد داشت.

پکن در حال منزوی کردن تاپیه است و با فشار بر کشورها، روابط دیپلماتیک تایوان و حمایت از هدف اتحاد چین را کاهش می‌دهد. از سال ۲۰۱۶، تعداد کشورهایی که به‌طور رسمی با تایوان رابطه دیپلماتیک دارند، از ۲۲ به فقط ۱۲ کشور کاهش یافته و این فشار از سوی چین همچنان ادامه دارد. چین توانایی‌های نظامی خود را برای یک عملیات احتمالی در تنگه تایوان تقویت کرده و نیروهای مسلح خود را برای فشار مداوم بر تایوان آماده می‌کند. ارتش آزادی‌بخش خلق احتمالاً در حال پیشرفت در زمینه‌هایی است که می‌تواند برای تصرف تایوان و جلوگیری از دخالت نظامی ایالات متحده استفاده شود، و دامنه، اندازه و سرعت عملیات خود در اطراف تایوان را افزایش می‌دهد.

پکن به فشار اقتصادی بر تاپیه ادامه خواهد داد و اگر تایوان به سمت استقلال رسمی حرکت کند، این فشارها را بیشتر خواهد کرد. این ممکن است شامل پیش‌بینی‌های سخت‌تر و تعرفه‌های گزینشی باشد که به‌طور مخفیانه بر واردات چین تأثیر می‌گذارد و در عین حال قوانین سخت‌گیرانه‌تری وضع می‌کند. تلاش‌های تهاجمی چین برای ادعای کنترل بر دریای چین جنوبی و شرقی، تنش‌هایی ایجاد کرده که ممکن است به درگیری بزرگ‌تری منجر شود. در سال ۲۰۲۴، اقدامات چین در دریای چین جنوبی باعث شد فیلیپین دسترسی یک‌جانبه به برخی مناطق مورد اختلاف را از دست بدهد و مذاکرات بین پکن و مانیل، که در آن فیلیپین برای دسترسی به امتیازهایی توافق کرده بود، به بن‌بست برسد. با این حال، بعید است مانیل از ادعاهای خود دست بکشد، که این موضوع می‌تواند تنش‌ها را از هر دو طرف افزایش دهد. تنش بین چین و ژاپن در جزایر سنکاکو در یک دهه گذشته بیشتر شده است. از آنجا که کشتی‌های چینی به نزدیکی جزایر مورد



اختلاف آمده‌اند و گاهی وارد منطقه سرزمینی شده‌اند، نیروی دفاع از خود ژاپن برای نظارت بر این فعالیت‌ها واکنش نشان داده است.

قدرت سایبری چین

چین همچنان فعال‌ترین و پایدارترین تهدید سایبری برای دولت ایالات متحده، بخش خصوصی و زیرساخت‌های حیاتی این کشور است. کمپین نفوذ سایبری چین، که در زمان بحران یا درگیری ردیابی شده، مانند طوفان سایبری ولت تایفون و اخیراً به نام طوفان سایبری سالت تایفون شناخته می‌شود، نشان‌دهنده گستردگی و عمق توانایی‌های چین برای به خطر انداختن زیرساخت‌های ایالات متحده است. اگر پکن معتقد باشد که درگیری بزرگی با واشنگتن نزدیک است، ممکن است حملات سایبری تهاجمی علیه زیرساخت‌های حیاتی و دارایی‌های نظامی ایالات متحده انجام دهد. این حملات برای جلوگیری از تصمیم‌گیری ایالات متحده، ایجاد هرج و مرج اجتماعی و مداخله در استقرار نیروهای ایالات متحده طراحی می‌شوند.

وضعیت اقتصادی چین

جمهوری خلق چین (PRC) تلاش می‌کند با ایالات متحده به عنوان قدرت برتر اقتصادی جهان رقابت کند. برای رسیدن به این هدف، این کشور راهبردی مبتنی بر تمرکزگرایی، هدایت دولتی، و استفاده از منابع ملی را در پیش گرفته تا بازارهای جهانی و زنجیره‌های تأمین راهبردی را تحت سلطه قرار دهد، رقبا را محدود کرده و سایر کشورها را وابسته به چین کند. رهبران چین این راهبرد را به کار می‌برند تا موقعیت چین را تقویت کرده و سلطه‌ی جهانی بیشتری در زنجیره‌های تأمین بحرانی به دست آورند؛ به‌ویژه در بخش‌های بالادستی که تأمین ورودی‌های حیاتی را به مراتب بهتر از دیگران انجام می‌دهد و نیز در بخش‌های پایین‌دستی که تولید را در مقیاس وسیع‌تری ممکن می‌سازد.

تقاضای داخلی ضعیف چین، همراه با سیاست‌های صنعتی آن مانند یارانه دادن به بخش تولید، باعث افزایش صادرات ارزان چین در حوزه‌هایی مثل فولاد شده که به شرکت‌های آمریکایی آسیب رسانده و رکورد جدیدی در مازاد تجاری چین به جا گذاشته است. سلطه‌ی چین بر زنجیره‌های تأمین کلیدی، به این کشور امکان داده که از «اجبار اقتصادی» علیه کشورهایی که با سیاست‌های پکن مخالفت می‌کنند استفاده کند. چین در حال ایجاد چارچوب نهادی برای واکنش‌های شدیدتر و متمرکزتر است. رهبران این کشور از ابزارهای غیررسمی یا فنی مانند موانع تجاری و سرمایه‌گذاری، مقررات اداری، لجستیک، و تحریم‌های نمادین علیه افراد، شرکت‌ها و بخش‌ها استفاده می‌کنند، همراه با پیام‌هایی برای هشدار و



بازدارندگب. به نظر می‌رسد رهبران چین خود را برای اصطکاک اقتصادی بیشتر با ایالات متحده آماده می‌کنند و احتمالاً در حال بررسی گزینه‌هایی با دولت جدید آمریکا هستند تا ضمن حفظ اهرم فشار، از تشدید درگیری و قطع ارتباط کامل اقتصادی جلوگیری کنند.

سلطه‌ی چین در استخراج و فرآوری برخی از مواد حیاتی، تهدیدی ویژه است که به این کشور اجازه می‌دهد مقدار عرضه را محدود کرده و بر قیمت جهانی اثر بگذارد. پکن تمایل خود را برای محدود کردن دسترسی جهانی به منابع حیاتی خود، گاهی در پاسخ به تنش‌های ژئوپلیتیکی نشان داده است. مثلاً در دسامبر ۲۰۲۴، صادرات فلزاتی که در تولید نیمه‌رساناها استفاده می‌شوند، مانند گالیوم، ژرمانیوم و آنتیموان، به ایالات متحده ممنوع شد، در واکنش به محدودیت‌های صادراتی آمریکا بر تجهیزات پیشرفته‌ی تولید تراشه. مثال دیگر، زمانی بود که چین در سال ۲۰۱۰ به‌طور موقت صادرات عناصر نادر خاکی به ژاپن را متوقف کرد، یا زمانی که قوانین جدیدی برای رسمی‌سازی اختیاراتش در محدود کردن صادرات مواد معدنی تصویب کرد. توقف طولانی‌مدت در تأمین این مواد از سوی چین می‌تواند بر ورودی‌های حیاتی صنایع و فناوری‌های آمریکا اثرگذار باشد.

چین اهداف مشابهی در حوزه‌ی کشتیرانی جهانی و دسترسی به منابع طبیعی دارد، از جمله در قطب شمال؛ جایی که ذوب شدن یخ دریا فرصت‌هایی برای گسترش حمل‌ونقل دریایی و بهره‌برداری از انرژی ایجاد کرده، به‌ویژه در امتداد مسیر دریایی شمالی (NSR) در سواحل روسیه. چین به منابع بالقوه عظیم طبیعی در قطب شمال علاقه دارد، از جمله نفت، گاز و مواد معدنی، حتی اگر هنوز جزو کشورهای رسمی قطب شمال محسوب نشود. پکن تلاش می‌کند دسترسی خود به مسیرهای دریایی مستقیم‌تر و کارآمدتر به سمت روسیه و دیگر مناطق نیم‌کره‌ی شمالی را عادی‌سازی کند تا از این مسیر نیاز خود به امنیت غذایی و انرژی را تأمین و وابستگی‌اش به انرژی خاورمیانه را کاهش دهد. چین به‌تدریج تعامل خود با گرینلند را افزایش داده، عمدتاً از طریق پروژه‌های معدنی، توسعه‌ی زیرساخت‌ها و همکاری‌های علمی. گرچه سطح تعامل چین با این منطقه پایین بوده، اما چشم‌انداز بلندمدت پکن، تبدیل گرینلند به مسیری برای دسترسی به منابع استراتژیک، و نیز به‌دست آوردن جای پای کلیدی برای گسترش حضور اقتصادی و امنیتی در منطقه‌ی قطب شمال است.

تکنولوژی

چین با یک رویکرد تهاجمی و هماهنگ از سوی دولت و همراهی بخش خصوصی، به دنبال تبدیل شدن به قدرت برتر جهانی در علم و فناوری است، پیشی گرفتن از ایالات متحده، ترویج خودکفایی و پیشرفت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است. پکن فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، علوم اطلاعات کوانتومی و نیمه‌هادی‌ها را



در اولویت قرار داده و با ایجاد محدودیت‌های هدفمند برای حفاظت از فناوری‌های حیاتی، تلاش‌های ایالات متحده را به چالش می‌کشد. چین در حال سرعت بخشیدن به پیشرفت‌های خود در علم و فناوری است و از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده، سرقت فناوری، جاسوسی اقتصادی، همکاری‌های بین‌المللی و دور زدن تحریم‌ها، به این هدف می‌رسد.

برخی پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۶، بخش فناوری چین ممکن است تا ۲۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل دهد، که بیش از دو برابر سال ۲۰۱۸ است. علاوه بر بودجه دولتی، چین از طریق سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، در فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، میکروالکترونیک و زیست‌فناوری، به خودکفایی دست می‌یابد. چین تقریباً یک راهبرد چندجانبه و ملی برای پیشی گرفتن از ایالات متحده به‌عنوان تأثیرگذارترین قدرت هوش مصنوعی تا سال ۲۰۳۰ طراحی کرده است. چین در حال تجربه یک رشد سریع در هوش مصنوعی مولد است و هوش مصنوعی را برای شهرهای هوشمند، نظارت گسترده، مراقبت‌های بهداشتی و نوآوری تسلیحاتی توسعه می‌دهد. شرکت‌های چینی در زمینه هوش مصنوعی برای تشخیص صدا و تصویر، تحلیل ویدئو و فناوری‌های نظارتی پیشرو هستند. ارتش آزادی‌بخش خلق از مدل‌های زبانی بزرگ برای تولید اطلاعات جعلی، شبیه‌سازی افراد و تقویت حملات اطلاعاتی استفاده می‌کند. چین همچنین ابتکارهایی را برای حمایت از هوش مصنوعی در سطح جهانی اعلام کرده است.

چین همچنین صدها گیگابایت مالکیت معنوی را از شرکت‌های آسیایی، اروپایی و آمریکایی شمالی دزدیده است تا از موانع فناوری عبور کند، به‌طوری که تا سال ۲۰۲۱، ۸۰ درصد از پرونده‌های جاسوسی اقتصادی ایالات متحده به نهادهای چینی مرتبط بوده است. چین همچنین زیست‌فناوری را به‌عنوان یک اولویت اقتصادی و راهبردی می‌بیند و قصد دارد در تولید محصولات زیستی و داده‌های ژنتیکی در سطح جهانی پیشرو باشد و در جمع‌آوری داده‌های زیستی و ژنتیکی در داخل و خارج از کشور موفق عمل کند. پکن داده‌های ژنتیکی را به‌عنوان یک منبع راهبردی ملی می‌بیند و کنترل دولتی را بر بانک‌های ژن و دیگر منابع ژنتیکی و همچنین موقعیت خود در کاربردهای زیست‌فناوری پزشکی و کشاورزی گسترش داده است. چین در تولید تراشه‌های پیشرفته ۷ نانومتری برای استخراج ارز دیجیتال و دستگاه‌های فرابنفش عمیق با کیفیت بالا پیشرفت کرده است، اما در تولید تراشه‌های فرابنفش شدید یا Extreme Ultraviolet با چالش‌هایی مواجه است. پژوهشگران چینی همچنان به کاوش فناوری‌های پیشرفته الگوهای فرابنفش شدید ادامه می‌دهند تا تراشه‌های کوچک‌تر، مانند تراشه‌های ۳ نانومتری، تولید کنند. چین در فناوری تراشه‌های ۲۸ نانومتری و بالاتر، که ۳۹ درصد از ظرفیت تولید جهانی را در سال ۲۰۲۸ تشکیل می‌دهد، پیشرو است و انتظار می‌رود ظرفیت بیشتری را به تولید تراشه‌های حیاتی برای خودروها، لوازم الکترونیکی مصرفی، لوازم خانگی، اتوماسیون کارخانه، پهن‌بند و بسیاری از سیستم‌های نظامی و پزشکی اختصاص دهد.

تسلیمات کشتار جمعی چین



چین همچنان به نوسازی، تنوع بخشی و گسترش تسلیحات هسته‌ای و سیستم‌های پرتاب پیشرفته خود ادامه می‌دهد و توانایی خود را برای وارد کردن خسارت فاجعه‌بار به ایالات متحده و تهدید نیروهای نظامی آمریکا در داخل و خارج از این کشور افزایش می‌دهد. چین احتمالاً توانایی‌های لازم برای جنگ شیمیایی و زیستی را دارد که می‌تواند به نیروهای ایالات متحده، متحدان و غیرنظامیان آسیب بزند.

امنیت زیستی چین

رویکرد چین در مسائل زیستی، پزشکی و سلامت جهانی، همراه با دیگر اولویت‌های جهانی، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را ایجاد می‌کند که منجر به مرگ بیش از یک میلیون آمریکایی و چندین برابر این تعداد در سراسر جهان شده است. این روند از زمان همه‌گیری کووید-۱۹ آغاز شد، در حالی که پکن همچنان از پذیرش نقش خود در هشدار و مهار این بیماری خطرناک و همچنین همکاری کامل با جامعه جهانی برای شناسایی منشأ بیماری و آمادگی برای بیماری‌های جدید خودداری می‌کند.

در مورد منشأ کووید-۱۹، نهادهای اطلاعاتی همچنان به بررسی اطلاعات جدید از منابع محرمانه و عمومی ادامه می‌دهند و با کارشناسان فنی مختلف مشورت می‌کنند تا درک بهتری از منشأ این همه‌گیری به دست آورند. این تلاش‌ها باعث شده جامعه اطلاعاتی به این نتیجه برسد که فرضیه منشأ طبیعی این بیماری محتمل‌تر از فرضیه نشت آزمایشگاهی است. فرضیه دیگر درباره کووید-۱۹، یعنی منشأ طبیعی شامل سناریوهایی است که در آن انسان‌ها از طریق تماس نزدیک با حیوانات وحشی یا اهلی به ویروس آلوده شده‌اند. چین میزبان مجموعه متنوعی از ویروس‌های کرونا است که در مناطق جغرافیایی مختلف یافت می‌شوند و برای مثال، ویروس سارس-کوو-۲ - ویروسی که باعث بیماری تنفسی حاد (سارس) می‌شود احتمالاً در استان یوننان سرچشمه گرفته است. بر اساس مطالعات علمی، اولین شیوع سارس در انسان در سال ۲۰۰۳ در استان گوانگ‌دونگ رخ داد و صدها مایل دورتر بود. فرضیه‌های مرتبط با پژوهش همچنین طیف وسیعی از احتمالات اولیه انتقال به انسان را در نظر می‌گیرد، از جمله حوادث در تأسیسات تحقیقاتی، مانند آزمایشگاه‌های دولتی یا دانشگاهی، یا فعالیت‌های تحقیقاتی در طبیعت، مانند جمع‌آوری نمونه از حیوانات وحشی.

تسلط چین بر تولید دارو و تجهیزات پزشکی، همراه با استانداردهای ایمنی و زیست‌محیطی پایین‌تر نسبت به استانداردهای ایالات متحده، باعث شده پکن نقش مهمی در تأمین داروها و تجهیزات پزشکی برای آمریکا و بقیه جهان ایفا کند، اما این نقش با خطرات زیادی همراه است. واردات داروهای چینی شامل داروها، واکسن‌ها، خون، کشت‌های زیستی، اندام‌ها و مواد بیولوژیک بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ تقریباً پنج برابر افزایش یافت و از ۲,۱ میلیارد دلار به ۱۰,۳ میلیارد دلار رسید. چین همچنین ممکن است به دنبال تأمین دارو و کمک‌های پزشکی برای کشورها با هزینه کمتر و در مقیاس بزرگ‌تر باشد، مانند آنچه برای تقویت نفوذ جهانی خود در زمان همه‌گیری کووید-۱۹ انجام داد.



قدرت فضایی چین

چین از روسیه به عنوان یک قدرت پیشرو در فضا پیشی گرفته و آماده است تا با ایالات متحده به عنوان رهبر جهانی در فضا رقابت کند. این کار را با افزایش توانایی‌های خود در سیستم‌های چندحسی متصل و در حال کار برای رسیدن به اهداف علمی و استراتژیک انجام می‌دهد. چین در برخی از زمینه‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی (شناسایی) به پوشش جهانی دست یافته و در چند فناوری فضایی به جایگاه برتر جهانی رسیده است.

سیستم ناوبری چین با نام بیدو یک جایگاه جهانی در ناوبری، زمان‌سنجی و قابلیت‌هایی دارد که با سامانه موقعیت‌یابی جهانی GPS ایالات متحده و سامانه گالیله اروپا رقابت می‌کند. ارتش آزادی‌بخش خلق همچنان به بهبود توانایی‌های خود در شناسایی و ارتباطات ماهواره‌ای ادامه می‌دهد تا فاصله خود با ارتش ایالات متحده را کاهش دهد. مأموریت موفقیت‌آمیز بازگرداندن نمونه از ماه در ژوئن ۲۰۲۴ به توانایی‌های فنی و اعتبار ملی چین کمک کرد، در حالی که چین به تلاش‌هایش برای فرستادن فضانوردان به ماه تا سال ۲۰۳۰ و ایجاد اولین پایگاه قمری تا سال ۲۰۳۵ ادامه می‌دهد. چین به سرعت در حال رشد به عنوان یک رقیب بزرگ در شرکت‌های فضایی تجاری ایالات متحده و اروپا است. برای مثال، چین اولین مجموعه ماهواره‌های خود را در مدار پایین زمین (مدار پایین زمین) پرتاب کرد تا با خدمات اینترنتی ماهواره‌ای تجاری غربی رقابت کند.

عملیات ضدفضایی بخش مهمی از کمپین‌های نظامی ارتش آزادی‌بخش خلق خواهد بود و چین توانایی‌های ضدفضایی زمینی را توسعه داده است، از جمله سیستم‌های جنگ الکترونیک، سلاح‌های انرژی هدایت‌شده (سلاح‌های انرژی هدایت‌شده)، و موشک‌های ضد ماهواره (موشک‌های ضد ماهواره) که برای مختل کردن، آسیب رساندن و نابودی اهداف طراحی شده‌اند. چین همچنین آزمایش‌هایی برای فناوری‌های ضدفضایی مبتنی بر فضا انجام داده است، که اگرچه سلاح ضدفضایی نیست، اما توانایی بازرسی ماهواره‌های دیگر در مدار را دارد و احتمالاً نشان‌دهنده تاکتیک‌هایی است که برای برخی حملات ضدفضایی لازم است.

فعالیت‌های مخرب نفوذ چین

چین به گسترش فعالیت‌های نفوذ مخرب و مخفیانه خود برای تضعیف ایالات متحده در داخل و در سطح جهانی ادامه خواهد داد و همچنین با آنچه به عنوان کمپین تحت رهبری ایالات متحده برای مخدوش کردن تصویر جهانی چین و سرنگونی حزب کمونیست چین می‌بیند، مقابله خواهد کرد. از طریق این تلاش‌ها، چین به دنبال تضعیف دیدگاه‌ها و انتقادهای حیاتی ایالات متحده و جهان است و تردیدهایی را در مورد توانایی‌ها و قدرت ایالات متحده ایجاد می‌کند. چین



احتمالاً از نفوذ مخرب خود به طور منظم در سال‌های آینده استفاده خواهد کرد، به‌ویژه برای بهبود توانایی‌های خود و جلوگیری از شناسایی.

عوامل حزب کمونیست چین (PRC)

عوامل حزب کمونیست چین توانایی‌های خود را برای انجام عملیات نفوذ و انتشار اطلاعات نادرست افزایش داده‌اند. برای مثال، پروفایل‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی در شبکه‌های اجتماعی جعلی برای ایجاد تفرقه در موضوعاتی مانند مصرف مواد مخدر، مهاجرت و سقط جنین استفاده می‌شوند.

چالش‌های چین

چین با چالش‌های بزرگی روبروست که دستاوردهای استراتژیک و سیاسی رهبران حزب کمونیست چین را تضعیف خواهد کرد. رهبران چین احتمالاً بیش از هر چیز نگران فساد، نابرابری‌های جمعیتی و مشکلات مالی و اقتصادی هستند، زیرا این مسائل مشروعیت حزب کمونیست چین را تهدید می‌کنند. با وجود کند شدن رشد اقتصادی و کاهش کیفیت زندگی، دو عامل کلیدی وجود دارد که رهبران چین احتمالاً برای حفظ آنها به اصلاحات ساختاری و سیاست‌های اقتصادی پایدار نیاز دارند: کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی و پیشبرد نوسازی نظامی. رشد چین احتمالاً به دلیل کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران، کاهش نرخ زادوولد و ازدواج، و همچنین کاهش نیروی کار، کند خواهد شد. شین‌پینگ بر امنیت و ثبات حزب کمونیست چین و همچنین وفاداری شخصی رهبران دیگر به خود تمرکز دارد، اما ناتوانی چین در حل مشکلات داخلی و خارجی، جایگاه جهانی این کشور را تضعیف می‌کند و توانایی پکن برای شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی و رقابت با رهبری ایالات متحده را کاهش می‌دهد.

روسیه

روسیه جنگ جاری خود در اوکراین را به‌عنوان یک درگیری نیابتی با غرب می‌بیند و هدفش بازگرداندن قدرت و امنیت روسیه در منطقه نزدیک خود در برابر نفوذ ایالات متحده و غرب است. تشدید ناخواسته تنش‌ها بین روسیه و ناتو، همراه با افزایش اعتماد و تسلط نظامی روسیه در میدان نبرد و رشد توان صنعتی دفاعی این کشور، خطر جنگ هسته‌ای را افزایش داده و پیامدهای فوری برای تلاش‌های ایالات متحده در به پایان رساندن قابل قبول این جنگ ایجاد کرده است. صرف‌نظر از چگونگی و زمان پایان جنگ در اوکراین، روندهای ژئوپلیتیکی، اقتصادی، نظامی و داخلی کنونی روسیه، تهدیدی مداوم برای ایالات متحده، قدرت، حضور و منافع جهانی این کشور ایجاد می‌کند. با وجود داشتن توان نظامی و اقتصادی کمتر نسبت به ایالات متحده، روسیه خود را سازگار و مقاوم نشان داده است، بخشی از این امر به دلیل گسترش روابط این کشور



با چین، ایران و کره شمالی است. ولادیمیر پوتین که مصمم و آماده برای پرداخت هزینه‌ای سنگین به منظور حفظ آنچه به عنوان جایگاه تاریخی و میراث شخصی خود می‌بیند است، به رقابت استراتژیک خود با ایالات متحده ادامه می‌دهد. اکثر مردم روسیه همچنان به طور منفعلانه این جنگ را می‌پذیرند و ظهور یک جایگزین برای پوتین در حال حاضر کمتر محتمل به نظر می‌رسد.

تلاش‌های غرب برای منزوی کردن و تحریم روسیه، قدرت این کشور را تحت تأثیر قرار داده است، اما حمایت چین و تقویت روابط روسیه با چین به مسکو کمک کرده است تا تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی را دور بزند، بازارهای انرژی خود را حفظ کند و نفوذ خود را در مقابل ایالات متحده، حتی در شرایطی که هزینه آسیب‌پذیری‌های بیشتر نسبت به چین افزایش می‌یابد، تقویت کند. روسیه همچنین همکاری نظامی خود با ایران و کره شمالی را افزایش داده است، که این همکاری به مسکو کمک می‌کند تا در برابر برتری و توانایی‌های جمعی ایالات متحده و عملیات‌های متمرکز بر غرب مقاومت کند. در نهایت، مسکو تمایل خود را برای بازی در نقش یک عامل مخل در غرب نشان داده است و از سازمان‌های غیرغربی مانند گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) برای پیشبرد سیاست‌هایی مانند کاهش ارزش دلار استفاده می‌کند. روسیه نشان داده است که می‌تواند چالش‌های اقتصادی ناشی از فشارهای جنگ، تحریم‌های غرب، تورم بالا و نرخ‌های بهره را مدیریت کند، هرچند این مدیریت برای کوتاه‌مدت با استفاده از منابع مالی و جایگزینی کارگران، سرمایه‌گذاری‌های اندک و ادامه سرمایه‌گذاری در پایگاه صنعتی-دفاعی انجام شده است. اقتصاد روسیه همچنان چهارمین اقتصاد بزرگ جهان (بر اساس تولید ناخالص داخلی با احتساب برابری قدرت خرید) باقی مانده است.

تلفات قابل توجه نیروی زمینی روسیه در جنگ تأثیر چندانی بر پایه‌های استراتژیک قدرت نظامی این کشور، از جمله بازدارندگی هسته‌ای متنوع و قوی، توانایی‌های نامتقارن و نیروی هوایی و دریایی این کشور، نداشته است، در حالی که نیروی زمینی سابق، چه در زمان جنگ سرد و چه در حال حاضر، توانایی‌های متعارف بیشتری نسبت به زمان شروع تهاجم دارد. روسیه در حال توسعه زرادخانه‌ای از تسلیحات متعارف، مانند تسلیحات تهاجمی، برای هدف قرار دادن سرزمین اصلی ایالات متحده و متحدان این کشور در زمان بحران و جنگ است. پیشرفت‌های روسیه در تسلیحات و برنامه‌های فضایی نیز تهدیدی برای سرزمین اصلی ایالات متحده، نیروهای این کشور و مزیت‌های جنگی کلیدی آن ایجاد می‌کند. روسیه به استفاده از دیپلماسی ضدآمریکایی، تاکتیک‌های اعمال قدرت از راه انرژی، اطلاعات نادرست، جاسوسی، عملیات نفوذ، حملات سایبری و ابزارهای منطقه خاکستری ادامه خواهد داد تا در سطحی پایین‌تر از درگیری مسلحانه رقابت کند و فرصت‌هایی برای پیشبرد منافع خود ایجاد کند. جنگ در اوکراین به مسکو درس‌های ارزشمندی درباره مبارزه با تسلیحات و اطلاعات غربی در یک جنگ بزرگ‌مقیاس آموخته است. این تجربه احتمالاً برنامه‌ریزی دفاعی آینده ایالات متحده را، از جمله در برابر دیگر دشمنانی که مسکو این درس‌ها را با آنها به اشتراک می‌گذارد، به چالش خواهد کشید.

روسیه و قطب شمال



روسیه حدود نیمی از خط ساحلی قطب شمال را کنترل می‌کند و این منطقه را برای سلامت اقتصادی و امنیت ملی خود حیاتی می‌داند. مسکو قصد دارد حضور خود در قطب شمال و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و همچنین مزایای اقتصادی و نظامی ناشی از تجارت دریایی را افزایش دهد. این در حالی است که رقابت اقتصادی و نظامی با کشورهای غربی در این منطقه، که در سال گذشته با پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو تشدید شده است، افزایش یافته است. جنگ در اوکراین منابع مالی و نظامی در دسترس روسیه را برای تحقق جاه‌طلبی‌های این کشور در قطب شمال کاهش داده است و این موضوع مسکو را به جستجوی همکاری نزدیک‌تر با چین در قطب شمال واداشته است. با استقبال از افزایش مشارکت کشورهای غیرغربی، روسیه در تلاش است تا نفوذ فزاینده کشورهای عضو ناتو را خنثی کرده و مزیت‌های آنان را کاهش دهد. علاقه روسیه به گرینلند عمدتاً به دلیل نزدیکی آن به مسیرهای دریایی راهبردی میان اقیانوس‌های منجمد شمالی و اطلس است؛ از جمله برای زیردریایی‌های مجهز به سلاح هسته‌ای و همچنین به دلیل وجود یک پایگاه کلیدی نظامی ایالات متحده در گرینلند.

وضعیت نظامی روسیه

سرمایه‌گذاری‌های عظیم مسکو در بخش دفاعی باعث خواهد شد که ارتش روسیه همچنان تهدیدی برای امنیت ملی ایالات متحده باقی بماند، با وجود تلفات قابل توجه نیروی انسانی و تجهیزات به‌ویژه در نیروهای زمینی، در جریان جنگ با اوکراین. نیروی هوایی و دریایی روسیه، اگرچه متحمل برخی خسارات شده و مقادیر زیادی مهمات هدایت‌شونده دقیق مصرف کرده، اما همچنان قادرند نیروهای قدرت‌افکنی منطقه‌ای و جهانی را برای مسکو فراهم کنند. در همین حال، نیروهای هسته‌ای و ضدضربه روسیه همچنان ابزار بازدارندگی راهبردی آن کشور باقی مانده‌اند.

جنگ اوکراین به بهبود برخی از قابلیت‌های نظامی روسیه منجر شده است. به عنوان مثال، استفاده اولیه روسیه از جنگ الکترونیک (EW) و سیستم‌های بدون سرنشین ضعیف بود، اما به تدریج این کشور با بهره‌گیری نوآورانه‌تر از EW، توانست در کاربری رادار و GPS اوکراینی و همچنین پهپادها اختلال مؤثرتری ایجاد کند. روسیه دارای توانمندی حملات دقیق دوربرد است؛ به‌ویژه در زیردریایی‌ها و بمب‌افکن‌هایی که به موشک‌های کروز زمین‌پایه (LACMs) و موشک‌های ضدکشتی مجهز هستند که می‌توانند تهدیدی برای خاک آمریکا باشند. مسکو بودجه دفاعی خود را به بالاترین سطح در دوران حکومت پوتین رسانده و همزمان اقداماتی برای کاهش اثر تحریم‌ها بر صنعت دفاعی و نظامی خود انجام داده است. روسیه مهماتی نظیر پهپادهایی از ایران و گلوله‌های توپخانه‌ای از کره شمالی وارد کرده است تا اثر تحریم‌های بین‌المللی را کاهش داده، توانایی خود برای ادامه جنگ در اوکراین را حفظ کند و تهدید نظامی‌اش را تقویت نماید.



با این حال، مسکو با چالش‌های بلندمدتی همچون کیفیت نیروی انسانی، فساد، و نرخ باروری پایین (که از حد لازم برای جایگزینی نیروها کمتر است) روبه‌روست. با این وجود، سرمایه‌گذاری روسیه در جذب و تجهیز نیروهای انسانی باید به آن کشور امکان دهد که ذخایر خود را به تدریج بازسازی کرده و به‌ویژه نیروهای زمینی را در دهه پیش رو تقویت کند. با این حال، جنگ در اوکراین همچنان باری بر این تلاش‌ها خواهد بود تا زمانی که ادامه داشته باشد. مسکو ناگزیر خواهد بود همواره میان تخصیص منابع برای تولید انبوه تجهیزات جنگی و تلاش‌های مدرن‌سازی و بازسازی نیروها، تعادل برقرار کند.

روسیه و اوکراین

روسیه طی یک سال گذشته ابتکار عمل را در تهاجم تمام‌عیار به اوکراین به دست گرفته و در مسیر کسب اهرم فشار بیشتر برای وادار کردن کی‌یف و حامیان غربی‌اش به مذاکره جهت پایان دادن به جنگ و تحقق امتیازاتی است که مسکو خواهان آن‌هاست. تداوم جنگ روسیه و اوکراین خطرات راهبردی متعددی برای ایالات متحده در پی دارد، از جمله گسترش ناخوابسته جنگ به سطحی وسیع‌تر، احتمال استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، افزایش ناامنی در میان متحدان ناتو، به‌ویژه در اروپای مرکزی، شرقی و شمالی و همچنین جسورتر شدن چین و کره شمالی.

اگرچه رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، نمی‌تواند به پیروزی کامل مورد نظرش از زمان آغاز تهاجم در فوریه ۲۰۲۲ دست یابد، اما روسیه همچنان در مسیر جنگی فرسایشی پیش می‌رود که مزیت‌های نظامی‌اش را حفظ می‌کند. این جنگ فرسایشی، اگرچه به تدریج و به شکلی مداوم موجب تضعیف موقعیت اوکراین در میدان نبرد می‌شود، اما فارغ از تلاش‌های ایالات متحده یا متحدان برای تحمیل هزینه‌های جدید و سنگین‌تر به مسکو، به سود روسیه پیش می‌رود.

با وجود چالش‌های جذب نیرو، روسیه تاکنون توانسته پرسنل کافی برای جبران تلفات انسانی و آغاز حملات جدید در چندین جبهه جذب کند. از سوی دیگر، اوکراین از زمان تصویب قانون جدید بسیج نیروها در بهار ۲۰۲۴، شمار بیشتری از نیروها را جذب کرده، اما منابع خود را برای آغاز ضدحملات جدید (مانند منطقه کورسک در روسیه) و ایجاد تیپ‌های جدید در عین دفاع از خطوط موجود، تحت فشار قرار داده است. افزایش هزینه‌های دفاعی روسیه و سرمایه‌گذاری‌های آن در ظرفیت صنعتی دفاعی، امکان حفظ سطح بالایی از تولید قابلیت‌های حیاتی، از جمله توپخانه، موشک‌های دوربرد، پهپادهای تهاجمی یک‌طرفه و بمب‌های گلاید را فراهم کرده و برتری آتش روسیه نسبت به اوکراین را حفظ می‌کند. هر دو رهبر، پوتین و رئیس‌جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی، علاقه‌مند به ادامه گفت‌وگو با ایالات متحده درباره راه‌های پایان جنگ و آمادگی برای آزمودن آتش‌بس‌های جزئی نشان داده‌اند. با این حال، پوتین احتمالاً به خوبی از خطرات درگیری طولانی‌مدت که ممکن است اقتصاد روسیه را تضعیف کرده و باعث تنش‌های ناخوابسته با غرب شود، آگاه است. زلنسکی نیز به احتمال زیاد درک می‌کند که موضعش در حال تضعیف است، کمک‌های غربی نامطمئن شده‌اند، و در نتیجه، آتش‌بس ممکن است به گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل شود. با این حال، هر دو رهبر در حال حاضر هنوز خطرات یک جنگ طولانی را کمتر از نتایج یک مصالحه ناخوشایند می‌دانند. از دیدگاه روسیه، دستاوردهای میدانی، امکان معامله‌های استراتژیک را



فراهم می‌کند، و برای اوکراین، واگذاری قلمرو یا اعلام بی‌طرفی بدون دریافت تضمین‌های امنیتی قابل توجه از غرب، ممکن است منجر به واکنش منفی داخلی و ناامنی آتی شود.

توان سایبری روسیه

توانمندی‌های پیشرفته سایبری روسیه، موفقیت‌های مکرر در نفوذ به اهداف حساس اطلاعاتی، و تلاش‌های پیشین برای دسترسی پیش‌دستانه به زیرساخت‌های حیاتی آمریکا، آن را به تهدیدی پایدار در حوزه ضدجاسوسی و حملات سایبری تبدیل کرده‌اند. نقطه‌قوت منحصربه‌فرد مسکو، تجربه عملی آن در تلفیق حملات سایبری با عملیات نظامی زمان جنگ است، که به احتمال زیاد توانایی روسیه را در وارد آوردن آسیب‌های ترکیبی و همزمان به اهداف آمریکایی در شرایط درگیری، به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد.

فعالیت‌های نفوذ مخرب

مسکو از فعالیت‌های نفوذ برای مقابله با تهدیدها استفاده می‌کند، از جمله از طریق دامن زدن به اختلافات سیاسی در غرب، ایجاد تردید در فرایندهای دموکراتیک و رهبری جهانی ایالات متحده، تضعیف حمایت غرب از اوکراین و تقویت روایت‌های مطلوب روسیه. این فعالیت‌ها در آینده قابل پیش‌بینی ادامه خواهند داشت و تقریباً به طور قطع از نظر پیچیدگی و حجم افزایش خواهند یافت. احتمالاً روسیه بر این باور است که عملیات اطلاعاتی برای تأثیرگذاری بر انتخابات ایالات متحده مفید است، صرف‌نظر از اینکه نتیجه انتخابات را تغییر دهد یا نه، زیرا ایجاد تردید در سلامت نظام انتخاباتی ایالات متحده، یکی از اهداف اصلی آن محسوب می‌شود.

روسیه از نهادهای مختلفی مانند سازمان‌های تحت تحریم ایالات متحده نظیر آژانس طراحی اجتماعی (SDA) و آنو دیالوگ (ANO Dialog) و همچنین رسانه دولتی راشاتودی (RT) برای تأثیرگذاری مخفیانه بر افکار عمومی آمریکا، تقویت و تشدید اختلافات داخلی و ارتباط پنهانی با شهروندان آمریکایی استفاده می‌کند، در حالی که نقش خود را در این اقدامات پنهان نگه می‌دارد.

سلاح‌های کشتار جمعی (WMD)

روسیه بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارد که همراه با سامانه‌های پرتاب زمینی، هوایی و دریایی، می‌تواند خسارت‌های فاجعه‌باری به خاک ایالات متحده وارد کند. روسیه یک نیروی راهبردی هسته‌ای مدرن، متحرک و با قابلیت بقا توسعه داده است که با هدف دور زدن یا خنثی کردن دفاع موشکی ایالات متحده و تضمین بازدارندگی از طریق قابلیت قابل اعتماد حملات تلافی‌جویانه طراحی شده است. علاوه بر این، زرادخانه وسیع سلاح‌های هسته‌ای غیرراهبردی روسیه به آن کمک می‌کند تا برتری متعارف غرب را جبران کرده و گزینه‌های قدرتمندی برای



مدیریت تنش‌ها در سناریوهای جنگی در اختیار داشته باشد. روسیه همچنان به مدرن‌سازی قابلیت‌های سلاح‌های هسته‌ای خود ادامه می‌دهد، علیرغم شکست‌های متعدد در آزمایش سامانه‌های جدید.

تهدید تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی (CBW) روسیه در حال گسترش است. مؤسسات علمی روسیه همچنان به تحقیق و توسعه قابلیت‌های بیولوژیکی و شیمیایی، از جمله فناوری‌های انتقال عوامل شیمیایی و بیولوژیکی، ادامه می‌دهند. روسیه یک برنامه اعلام‌نشده تسلیحات شیمیایی را حفظ کرده و در سال‌های اخیر دست‌کم دو بار از این سلاح‌ها در سوءقصد‌ها استفاده کرده است: یکی علیه رهبر مخالفان روسیه، الکسی ناوالنی، در سال ۲۰۲۰ با عامل عصبی نوویچوک (نسل چهارم عوامل شیمیایی)، و دیگری علیه سرگئی اسکریپال، مأمور سابق اطلاعاتی روسیه، و دخترش یولیا اسکریپال در سال ۲۰۱۸ در بریتانیا. نیروهای روسیه تقریباً به طور قطع به استفاده از مواد شیمیایی علیه نیروهای اوکراینی ادامه داده‌اند، به‌طوری که از اواخر سال ۲۰۲۲ صدها مورد حمله گزارش شده است.

توان فضایی روسیه

روسیه به آموزش نیروهای فضایی نظامی خود ادامه می‌دهد و سلاح‌های ضدماهواره‌ای جدیدی را به کار می‌گیرد تا توانایی‌های فضایی ایالات متحده و متحدانش را مختل کرده و کاهش دهد. این کشور در حال گسترش زرادخانه خود از سامانه‌های جنگ الکترونیک، تسلیحات انرژی هدایت‌شده (DEWs)، قابلیت‌های ضدماهواره‌ای مداری و موشک‌های ASAT است که برای هدف قرار دادن ماهواره‌های ایالات متحده و متحدان طراحی شده‌اند. روسیه از جنگ الکترونیک (EW) برای مقابله با دارایی‌های مداری غرب استفاده می‌کند و همچنان به توسعه موشک‌های ضدماهواره (ASAT) که قادر به نابودی اهداف فضایی در مدار پایین زمین (LEO) هستند، ادامه می‌دهد.

با وجود میراث شوروی، جنگ در اوکراین نواقص آشکاری را در معماری فضایی روسیه نشان داده است که در آینده نیز به دلیل تأثیرات تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی، مشکلات داخلی در بخش فضایی، و رقابت فزاینده برای منابع برنامه‌ای در داخل روسیه، با چالش مواجه خواهد شد. با این حال، روسیه همچنان یک رقیب فضایی باقی خواهد ماند، احتمالاً از طریق اولویت‌بندی دارایی‌های حیاتی برای امنیت ملی و ادغام خدمات نظامی فضایی با پروژه‌های غیرنظامی فضایی. مسکو از ماهواره‌های تجسسی غیرنظامی و تجاری خود و سایر کشورها برای تکمیل قابلیت‌های نظامی اختصاصی خود استفاده می‌کند و هشدار داده است که زیرساخت‌های تجاری سایر کشورها در فضا که برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، ممکن است به اهداف مشروع حمله تبدیل شوند.

قابلیت ضدماهواره‌ای روسیه

روسیه در حال توسعه یک ماهواره جدید است که قرار است یک سلاح هسته‌ای را به‌عنوان یک قابلیت ضدماهواره‌ای حمل کند. انفجار هسته‌ای در فضا می‌تواند پیامدهای ویرانگری برای ایالات متحده، اقتصاد جهانی و کل جهان داشته باشد. این



اقدام امنیت ملی کشورها و زیرساخت‌های تجاری و ماهواره‌ای را به خطر می‌اندازد و همچنین استفاده ایالات متحده از فضا به عنوان محرک توسعه اقتصادی را مختل می‌کند. در فوریه ۲۰۲۲، روسیه ماهواره‌ای را پرتاب کرد که وزارت دفاع این کشور در آن زمان ادعا کرد برای آزمایش ابزارها و سیستم‌های داخل ماهواره تحت تأثیر تشعشعات و ذرات باردار سنگین بوده است.

فناوری

با اینکه اکوسیستم علوم و فناوری روسیه پس از حمله به اوکراین تحت فشار قرار گرفته، مسکو همچنان به استقرار کاربردهای نوظهور هوش مصنوعی در میدان نبرد و خارج از آن ادامه داده و همکاری فنی خود را با شرکایی مانند چین در راستای اهداف تحقیق و توسعه بلندمدت تقویت کرده است. مسکو احتمالاً با استفاده از هوش مصنوعی برای تقویت عملیات نظامی خود، تاکتیک‌ها و قابلیت‌های روسیه را برای درگیری‌های احتمالی آینده با ایالات متحده یا متحدان ناتو ارتقا خواهد داد.

روسیه از هوش مصنوعی برای ایجاد دیپفیک‌های بسیار پیشرفته با هدف گسترش اطلاعات نادرست، انجام عملیات نفوذ و برانگیختن ترس بیشتر استفاده می‌کند. این کشور همچنین در جریان درگیری با اوکراین از تجهیزات ضدپهپاد مبتنی بر هوش مصنوعی بهره برده است. تعداد معدودی از تولیدکنندگان داخلی میکروالکترونیک در روسیه تاکنون تنها موفق به تولید تراشه‌هایی در سطح ۶۵ نانومتری شده‌اند و این کشور هدف دارد تا سال ۲۰۳۰ تولید انبوه تراشه‌های ۲۸ نانومتری را آغاز کند که همچنان از رهبران جهانی عقب است. با وجود قطع ارتباط گسترده با زنجیره تأمین غربی، روسیه همکاری فنی خود را با شرکای بین‌المللی در حوزه‌های مختلف به میزان قابل توجهی گسترش داده و عمیق‌تر کرده است. این کشور به دنبال همسویی بیشتر قابلیت‌های علمی و فناورانه خود با چین و متحدان بریکس (BRICS) در حوزه‌هایی مانند توسعه هوش مصنوعی، حکمرانی و تولید نیمه‌هادی‌ها است تا علاوه بر تقویت توان داخلی خود، نفوذ غرب را نیز کاهش دهد.

چالش‌های روسیه

با وجود تاب‌آوری روسیه، این کشور با چالش‌های متعددی برای حفظ جایگاه خود به عنوان یک بازیگر جهانی حیاتی، حفظ حوزه نفوذ و برقراری ثبات داخلی مواجه است. روسیه به دلیل تهاجم گسترده خود به اوکراین، هزینه سنگینی از نظر نیروی انسانی، منابع مالی و از دست دادن اعتبار بین‌المللی و گزینه‌های سیاست خارجی پرداخت کرده است. رئیس‌جمهور پوتین، با این اقدام، دو دهه احیای ژئوپلیتیکی روسیه را متحول کرد، تهدیدهای جدیدی را برای امنیت داخلی و خارجی



این کشور به وجود آورد و ظرفیت اقتصادی و نظامی آن را تحت فشار قرار داد و روسیه را به چین و دیگر شرکای هم‌فکر مانند کره شمالی وابسته‌تر کرد.

ارتش روسیه در اوکراین تلفات بیشتری نسبت به تمام جنگ‌های دیگر خود از زمان جنگ جهانی دوم متحمل شده است (بیش از ۷۵۰ هزار کشته و زخمی) و اقتصاد این کشور با مشکلات کلان اقتصادی طولانی‌مدت مواجه بوده و به طور فزاینده‌ای به چین وابسته شده است. تجاوزگری روسیه باعث اتحاد بیشتر اروپا شده و فنلاند و سوئد را به پیوستن به ناتو ترغیب کرده است. تلاش‌های ارمنستان، مولداوی و برخی کشورهای آسیای مرکزی برای یافتن شرکای جایگزین، نشان‌دهنده تأثیر منفی این اقدام بر نفوذ مسکو است، حتی در منطقه پسا-شوروی، و باعث شکست چشم‌انداز پوتین برای ایجاد یک اتحادیه اوراسیایی بزرگ شده است.

ایران

تهران تلاش خواهد کرد تا از توانمندی گسترده موشکی و برنامه هسته‌ای توسعه‌یافته خود، همراه با دیپلماسی منطقه‌ای و تعامل با رقبای ایالات متحده، برای تقویت نفوذ منطقه‌ای و حفظ بقای رژیم استفاده کند. با این حال، چالش‌های داخلی و منطقه‌ای، به‌ویژه تنش با اسرائیل، آزمونی جدی برای جاه‌طلبی‌ها و توانمندی‌های ایران محسوب می‌شوند. افول حزب‌الله، سقوط رژیم اسد در سوریه و ناتوانی ایران در بازدارندگی اسرائیل، رهبران تهران را وادار کرده است تا درباره رویکرد خود بازنگری کنند. عملکرد ضعیف اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی نیز همچنان رژیم را در داخل با چالش مواجه خواهد کرد. تهران به تلاش‌های خود برای مقابله با اسرائیل و فشار بر ایالات متحده جهت خروج از منطقه ادامه خواهد داد و از طریق تجهیز و حمایت از مجموعه‌ای از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی هم‌فکر، معروف به «محور مقاومت»، این هدف را دنبال می‌کند.

هرچند سقوط رژیم اسد به عنوان یکی از بازیگران کلیدی تهران ضربه‌ای به این محور محسوب می‌شود، اما گروه‌های مذکور همچنان تهدیدات متنوعی را ایجاد می‌کنند. این تهدیدات شامل آسیب‌پذیری مداوم اسرائیل در برابر حماس و حزب‌الله، حملات شبه‌نظامیان علیه نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه و همچنین تهدید موشکی و پهپادی حوثی‌ها علیه اسرائیل و حمل‌ونقل دریایی در نزدیکی یمن است. آیت‌الله خامنه‌ای همچنان تمایلی به کشاندن ایران به یک درگیری گسترده و مستقیم با ایالات متحده و متحدانش ندارد.

سرمایه‌گذاری ایران در ارتش، یکی از ارکان اصلی تلاش‌های این کشور برای مقابله با تهدیدهای متنوع و بازدارندگی برابر حملات احتمالی از سوی ایالات متحده یا اسرائیل بوده است. ایران همچنان در جهت افزایش دقت و کشندگی



سیستم‌های موشکی و پهپادی تولید داخل خود تلاش می‌کند و اکنون دارای یکی از بزرگ‌ترین ذخایر این تسلیحات در منطقه است. تهران این تسلیحات را برای راهبرد بازدارندگی، توانمندی درگیری نامتقارن و تقویت نفوذ منطقه‌ای خود حیاتی می‌داند. ایران همچنین از فروش تسلیحات برای تعمیق همکاری‌های نظامی خود با شرکا استفاده می‌کند. پیشرفت‌های ایران در جنگ الکترونیک و تمایل آن برای انجام عملیات سایبری، این کشور را به یک تهدید عمده برای امنیت ایالات متحده و اسرائیل تبدیل کرده است.

ایران همچنان به تهدید مستقیم شهروندان آمریکایی در سراسر جهان ادامه خواهد داد و به تلاش یک دهه‌ای خود برای ایجاد شبکه‌های نیابتی در داخل ایالات متحده متعهد باقی می‌ماند. ایران به دنبال هدف قرار دادن مقامات سابق و کنونی آمریکایی است که گمان می‌کند در کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC-Qods Force)، در ژانویه ۲۰۲۰ نقش داشته‌اند. ایران پیش‌تر نیز تلاش‌هایی برای انجام عملیات‌های مرگبار در ایالات متحده انجام داده است.

ایران در تلاش است روابط خود را با دیگر رقبای کلیدی ایالات متحده و کشورهای جنوب جهانی گسترش دهد تا تلاش‌های واشنگتن برای انزوای رژیم را خنثی کرده و از تأثیر تحریم‌های غرب بکاهد. دیپلماسی تهران از جمله تعاملات موردی با اروپا احتمالاً با درجات مختلفی از موفقیت ادامه خواهد یافت.

در سال گذشته، ایران بر تعمیق روابط خود با روسیه تمرکز کرده است، از جمله همکاری نظامی در جنگ اوکراین و چین را به‌عنوان یک شریک کلیدی سیاسی و اقتصادی برای کاهش فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک به کار گرفته است. ایران همچنین در حال پیشبرد همکاری‌های دیپلماتیک و دفاعی خود با کشورهای آفریقایی و دیگر بازیگران در جنوب جهانی است و تلاش دارد پیشرفت‌های اولیه در روابط خود با سایر بازیگران منطقه‌ای، از جمله عربستان سعودی، را تثبیت کند، علیرغم تردیدهای متقابل در مورد اهداف نهایی یکدیگر در منطقه. عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نارضایتی عمومی می‌توانند زمینه‌ساز ناآرامی‌های داخلی بیشتر در ایران، مشابه اعتراضات گسترده در اواخر ۲۰۲۲ و اوایل ۲۰۲۳ شوند. اقتصاد ایران با رشد پایین، نوسانات نرخ ارز و تورم بالا مواجه است. در صورت عدم کاهش تحریم‌ها، این تهدیدات احتمالاً در آینده قابل پیش‌بینی ادامه خواهند یافت.

قدرت نظامی ایران

توانمندی‌های متعارف و نامتعارف ایران تهدیدی برای نیروها و شرکای ایالات متحده در منطقه در آینده‌ای قابل پیش‌بینی خواهد بود، علیرغم تضعیف نیروهای نیابتی و سامانه‌های پدافند هوایی آن در جریان درگیری غزه. نیروهای متعارف ایران قادرند خسارات قابل توجهی به مهاجمان وارد کنند، حملات منطقه‌ای انجام دهند و مسیرهای کشتیرانی، به‌ویژه تأمین



انرژی، را از طریق تنگه هرمز مختل کنند. عملیات جنگ نامتقارن و مشارکت ایران با گروه‌های شبه‌نظامی و نیابتی مانند حزب‌الله، همواره تهران را قادر ساخته تا منافع خود را در سراسر منطقه دنبال کند و عمق راهبردی خود را با درجه‌ای از انکارپذیری حفظ کند.

با این حال، مقامات ایرانی در تلاش‌اند راه‌هایی برای کاهش و در نهایت جبران زیان‌های اخیر خود و نیروهای نیابتی‌شان بیابند. این زیان‌ها ناشی از عملیات نظامی اسرائیل علیه ایران و متحدان منطقه‌ای آن، از جمله حملات به اهداف نظامی ایران مانند سامانه‌های پدافند هوایی در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ بوده است. ارزیابی‌های اطلاعاتی (IC) چشم‌انداز بازسازی خسارات نظامی ایران و ایجاد بازدارندگی معتبر، به‌ویژه در برابر اقدامات اسرائیل، را در کوتاه‌مدت ضعیف می‌داند.

ایران تعداد زیادی موشک‌های بالستیک و کروز، همچنین پهپادهایی را به کار گرفته که می‌توانند اهدافی را در سراسر منطقه مورد حمله قرار دهند. تهران همچنان در تلاش است دقت، مرگبار بودن و قابلیت اطمینان این تسلیحات را بهبود بخشد. صنایع دفاعی ایران دارای ظرفیت توسعه و تولید قوی، به‌ویژه برای سامانه‌های ارزان‌قیمت مانند پهپادهای کوچک است. با این حال، آسیب محدودی که حملات ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ به اسرائیل وارد کرد، کاستی‌های گزینه‌های نظامی متعارف ایران را برجسته می‌کند. ایران همچنین قایق‌های کوچک و زیردریایی‌هایی را مستقر کرده که قادر به ایجاد اختلال در ترافیک کشتیرانی از طریق تنگه هرمز هستند. نیروی زمینی و هوایی ایران، علی‌رغم اینکه از بزرگ‌ترین نیروهای منطقه محسوب می‌شوند، با مشکل تجهیزات فرسوده و آموزش محدود مواجه‌اند.

قدرت فضای سایبری ایران

تخصص فزاینده و تمایل ایران به انجام عملیات سایبری تهاجمی، آن را به یک تهدید عمده برای امنیت شبکه‌ها و داده‌های ایالات متحده تبدیل کرده است. هدایت و تشویق رهبران ایران، بازیگران سایبری را به توسعه قابلیت‌های حملات سایبری تهاجمی‌تر تشویق کرده است.

فعالیت‌های نفوذ بدخواهانه ایران

ایران اغلب عملیات نفوذ خود را با فعالیت‌های سایبری تهاجمی تقویت می‌کند. در طول درگیری بین اسرائیل و حماس، صنایع خصوصی ایالات متحده، کمپین‌های نفوذ و حملات سایبری ایران را شناسایی و ردیابی کردند. در ژوئن ۲۰۲۴، یک عامل وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) یک حساب ایمیلی را که با یک فرد دارای ارتباطات غیررسمی با کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ مرتبط بود، هک کرد و از آن برای ارسال یک ایمیل فیشینگ هدفمند به افراد داخل کمپین



استفاده نمود. سپس، سپاه پاسداران تلاش کرد روزنامه‌نگاران آمریکایی را ترغیب کند تا اطلاعاتی را که به‌طور غیرقانونی از کمپین به دست آمده بود، افشا کنند.

تسلیمات کشتار جمعی ایران

ما همچنان ارزیابی می‌کنیم که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و آیت‌الله خامنه‌ای برنامه تسلیمات هسته‌ای را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده بود، مجدداً مجاز ندانسته است، اگرچه احتمال دارد که تحت فشار برای انجام این کار قرار گیرد.

در سال گذشته، تابوی چندین دهه‌ای درباره بحث عمومی در مورد سلاح‌های هسته‌ای کاهش یافته است، که این امر موجب جسور شدن حامیان تسلیمات هسته‌ای در بدنه تصمیم‌گیری ایران شده است. آیت‌الله خامنه‌ای همچنان تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران، از جمله هرگونه تصمیم برای توسعه تسلیمات هسته‌ای، باقی می‌ماند.

ایران به احتمال زیاد به تحقیق و توسعه عوامل شیمیایی و بیولوژیکی برای مقاصد تهاجمی ادامه خواهد داد. دانشمندان نظامی ایرانی مواد شیمیایی‌ای را بررسی کرده‌اند که طیف گسترده‌ای از اثرات آرام‌بخشی، تجزیه‌ای و اختلال حافظه دارند که می‌توانند فلج‌کننده و حتی کشنده باشند.

چالش‌های ایران

رهبران ایران به این امر واقف‌اند که کشور در یکی از شکننده‌ترین نقاط خود از زمان جنگ ایران و عراق قرار دارد، که احتمالاً بر محاسبات راهبردی و اعتماد آن‌ها به رویکردشان نسبت به منطقه، ایالات متحده و شرکای آمریکا تأثیر می‌گذارد. آن‌ها با فشارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای فزاینده‌ای مواجه‌اند که ایران را بیش از پیش در برابر بی‌ثباتی‌های تهدیدکننده رژیم و مداخلات خارجی آسیب‌پذیر می‌کند.

کره شمالی

رهبر کره شمالی، کیم جونگ اون، به توسعه توانایی‌های نظامی راهبردی و متعارف خود ادامه خواهد داد تا سرزمین اصلی آمریکا را هدف قرار دهد، نیروهای مسلح ایالات متحده و متحدانش را تهدید کند و به تضعیف قدرت آمریکا و تغییر موازنه امنیتی منطقه‌ای به نفع خود بپردازد. شراکت راهبردی تازه تقویت‌شده کیم با روسیه، برای کره شمالی مزایای مالی، حمایت دیپلماتیک و همکاری دفاعی به همراه دارد. مسکو همچنین به کاهش وابستگی پیونگیانگ به پکن کمک می‌کند. پیشرفت کره شمالی در توانایی‌های سلاح‌های راهبردی و دسترسی بیشتر به منابع مالی، اهداف دیرینه کیم را تسهیل



می‌کند؛ از جمله: کسب پذیرش بین‌المللی به عنوان یک قدرت هسته‌ای، کاهش حضور نظامی آمریکا در شبه‌جزیره کره، گسترش کنترل دولتی بر اقتصاد شمال و جلوگیری از نفوذ خارجی.

در ژوئن ۲۰۲۴، کیم و پوتین یک توافقنامه جامع راهبردی در زمینه همکاری‌های اقتصادی و فناوری امضا کردند. کیم همچنین از بند دفاع متقابل این توافقنامه استفاده می‌کند که هر کشور را موظف می‌کند در صورت حمله خارجی، کمک نظامی ارائه دهد. او از این بند برای توجیه اعزام نیروهای جنگی به اوکراین استفاده کرده است. کیم هیچ قصدی برای مذاکره در مورد برنامه‌های سلاح‌های راهبردی خود ندارد. او این برنامه‌ها را ضامن امنیت رژیم و غرور ملی می‌داند؛ چراکه تهدیدی برای سرزمین اصلی آمریکا، نیروهای این کشور در منطقه و متحدانش نظیر کره جنوبی و ژاپن محسوب می‌شوند. کره شمالی در حال افزایش ذخایر هسته‌ای خود و بهبود فناوری موشک‌های بالستیک است؛ برای مثال، این کشور در سال ۲۰۲۴ سه پرتاب انجام داد که ادعا می‌کند موشک‌های بالستیک میان‌برد (IRBM) با کلاهک‌های مانورپذیر و فراصوت بوده‌اند.

کیم به دنبال ترساندن ایالات متحده و متحدانش برای پذیرش کره شمالی به عنوان یک قدرت هسته‌ای و پایان دادن به مخالفت‌ها با تجاوزاتش علیه کره جنوبی است. او، در پاسخ به تمرینات نظامی آمریکا با کره جنوبی و همکاری سه‌جانبه این کشور با کره جنوبی و ژاپن، دستور پرتاب موشک‌ها را صادر کرده و تهدید به حمله هسته‌ای می‌کند. کره شمالی به تلاش برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی و انجام فعالیت‌های غیرقانونی ادامه خواهد داد. این اقدامات شامل سرقت رمزارز، ارسال غیرقانونی نفت به خارج از کشور و تجارت کالاهای ممنوعه توسط سازمان ملل برای تأمین مالی اولویت‌های کیم است که شامل توسعه موشک‌های بالستیک و تسلیحات کشتار جمعی (WMD) می‌شود.

کیم به شدت در برابر فعالیت‌هایی که آن‌ها را تهدیدی برای رژیم خود می‌داند، واکنش نشان خواهد داد و در صورت برداشت تهدید از سوی ایالات متحده و متحدانش، برای استفاده از زور تردید نخواهد کرد، زیرا این اقدامات را چالشی برای حاکمیت کره شمالی، تضعیف قدرت خود، یا تلاشی برای محدود کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی‌اش تلقی می‌کند. پیونگ‌یانگ در حال گسترش ظرفیت خود برای عملیات‌های قهری است و با افزایش اعتمادبه‌نفس در بازدارندگی هسته‌ای، از تاکتیک‌های جدید استفاده می‌کند. کیم از زمان به قدرت رسیدن، به‌طور کلی بر فعالیت‌های قهری غیرمرگبار، از جمله نمایش‌های موشکی و ارسال بالن‌های حامل زباله به آن سوی مرز، تکیه کرده تا امتیازات سیاسی بگیرد و فعالیت‌های نظامی، دیپلماتیک و غیرنظامی ایالات متحده و کره جنوبی را خنثی کند. کره شمالی با تهدید تلاش‌های کره جنوبی برای انتشار اطلاعات در شمال، که آن را عاملی برای بی‌ثباتی کنترل خود می‌داند، واکنش نشان می‌دهد. کیم پیش‌تر مرزهای دریایی مورد ادعای کره جنوبی را به چالش کشیده و ممکن است این کار را دوباره انجام دهد، که این امر احتمال درگیری‌های جدید در امتداد خط مرزی شمالی را افزایش می‌دهد. در صورتی که کیم احساس کند تلاش‌های بازدارنده کره شمالی کارایی ندارد و نیاز به ارسال پیامی قوی‌تر دارد، ممکن است سطح درگیری‌ها را به اقدامات نامتقارن مرگبارتر



افزایش دهد. همچنین، او ممکن است برای ایجاد رعب و وحشت در کره جنوبی یا ایالات متحده و وادار کردن آنها به تغییر سیاست‌هایشان به نفع کره شمالی، از این اقدامات مرگبار استفاده کند، درحالی که هم‌زمان خطر تلافی را به حداقل می‌رساند.

تسلیمات کشتار جمعی کره شمالی

کیم همچنان به افزایش تعداد کلاهک‌های هسته‌ای کره شمالی و بهبود قابلیت‌های موشکی آن برای تهدید خاک ایالات متحده، نیروها، شهروندان و متحدان این کشور، و همچنین تضعیف قدرت ایالات متحده در منطقه آسیا-اقیانوسیه متعهد است؛ شواهد این امر را می‌توان در سرعت آزمایش‌های موشکی کره شمالی و تبلیغات عمومی این رژیم درباره توانایی‌های غنی‌سازی اورانیوم مشاهده کرد. کره شمالی احتمالاً برای انجام یک آزمایش هسته‌ای آماده است و همچنان به آزمایش پرتاب موشک‌های بالستیک قاره‌پیما (ICBM) ادامه می‌دهد تا کیم بتواند خاک ایالات متحده را تهدید کند. روسیه نیز به طور فزاینده‌ای از موقعیت هسته‌ای کره شمالی حمایت می‌کند و در ازای آن، پیونگیانگ از جنگ مسکو علیه اوکراین پشتیبانی می‌نماید. کره شمالی توانایی‌های شیمیایی و بیولوژیکی (CBW) خود را حفظ کرده و ممکن است از این سلاح‌ها در جنگ، یا در حملات غیرمتعارف و مخفیانه علیه ایالات متحده یا متحدانش استفاده کند.

قدرت نظامی کره شمالی

توانایی ارتش کره شمالی در انجام حملات گسترده متعارف در سراسر منطقه غیرنظامی و سرمایه‌گذاری مداوم در قابلیت‌های تخصصی برای بازدارندگی در برابر مداخلات خارجی و جبران کمبودها در نیروهای متعارف این کشور، تهدیدی مرگبار برای نیروهای آمریکایی و شهروندان ایالات متحده در کره جنوبی و منطقه به شمار می‌رود. قابلیت‌های نظامی متعارف کره شمالی همچنین به کیم جونگ اون امکان پیشبرد اهداف سیاسی خود از طریق اعمال زور را می‌دهد.

با وجود سرمایه‌گذاری برای بهبود قابلیت‌های متعارف، ارتش کره شمالی به دلیل وابستگی شدید نیروهای زمینی، هوایی و دریایی آن به تجهیزات دوران شوروی و کمبود آموزش کافی، در اجرای جنگ مانوری ترکیبی با مشکل مواجه خواهد شد. کیم جونگ اون به تلاش‌های خود برای ساخت نیروی موشکی توانمندتر - از موشک‌های کروز گرفته تا موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و وسایل نقلیه مافوق صوت که برای دور زدن پدافندهای موشکی آمریکا و منطقه طراحی شده‌اند، بهبود قابلیت‌های ضربه دقیق کره شمالی و به خطر انداختن نیروهای آمریکایی و متحدان، ادامه خواهد داد. پیونگیانگ در ازای فروش مهمات به مسکو، در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند تخصص فنی برای توسعه تسلیحات خود را به دست آورد. این امر می‌تواند تلاش‌های آزمایش و استقرار کره شمالی را تسریع کند. تجربه جنگی در جنگ روسیه و اوکراین همچنین می‌تواند به پیونگیانگ در تقویت آموزش و ماهرتر شدن تاکتیکی کمک کند.



توان سایبری کره شمالی

کره شمالی با سرقت صدها میلیون دلار ارز دیجیتال در سال از ایالات متحده و سایر قربانیان، در حال تأمین مالی توسعه نظامی و ابتکارات اقتصادی خود است و به این ترتیب خطرات بیشتری را برای ایالات متحده ایجاد می‌کند. در آینده، کره شمالی ممکن است جاسوسی سایبری مداوم خود را برای پر کردن شکاف‌های برنامه‌های تسلیحاتی رژیم گسترش دهد و احتمالاً شرکت‌های پایگاه صنعتی دفاعی درگیر در فناوری‌های هوافضا، زیردریایی یا مافوق صوت را هدف قرار دهد.

چالش‌های کره شمالی

کره شمالی همچنان برای غلبه بر آسیب‌هایی که نیاز کیم جونگ اون به کنترل مطلق و سیاست‌های تهاجمی، به قدرت و بقای اقتصادی کشور وارد می‌آورد، تلاش خواهد کرد. کیم جونگ اون تاکنون توانسته است برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی و موشکی خود را پیش ببرد و به تهدید همسایگان و ایالات متحده ادامه دهد، اما این امر به قیمت جان مردم و سلامت کلی کشور تمام شده است. کمپین تمرکز مجدد رژیم برای تضمین بقای بلندمدت حکومت خاندان کیم جونگ اون در نظر گرفته شده است، اما سرکوب‌های دوره‌ای آن فعالیت‌های اقتصادی را محدود می‌کند، معیشت را تهدید می‌کند و کنترل‌های ناکارآمد دولتی را ترویج می‌کند و به کمبود مواد غذایی دامن می‌زند و نظم مدنی را به دلیل جرایم خشونت‌آمیزی که به طور فزاینده‌ای تشویق می‌کنند، از بین می‌برد. کیم جونگ اون برای کاهش وابستگی کره شمالی به چین، به ویژه برای دسترسی به بانکداری بین‌المللی و واردات مواد خام حیاتی، کالاهای مصرفی، مواد غذایی و منبع نفت خام رژیم و مقاومت در برابر نفوذ پکن تلاش خواهد کرد.

همکاری خصمانه

همکاری بین چین، روسیه، ایران و کره شمالی در سال‌های اخیر به سرعت در حال افزایش بوده است و تهدیدات ناشی از هر یک از آنها را به طور جداگانه تقویت می‌کند و در عین حال چالش‌های جدیدی را برای قدرت و نفوذ ایالات متحده در سطح جهانی ایجاد می‌کند. این روابط عمدتاً دوجانبه، که در زمینه‌های امنیتی و دفاعی هستند، توانایی‌های تکی و جمعی آنها را برای تهدید و آسیب رساندن به ایالات متحده تقویت کرده و همچنین مقاومت آنها را در برابر تلاش‌های ایالات متحده و غرب برای محدود کردن یا منصرف کردن فعالیت‌هایشان بهبود بخشیده‌اند. جنگ روسیه در اوکراین به این روابط سرعت بخشیده است، اما این روند صرف نظر از نتیجه جنگ ادامه خواهد داشت. این همسویی احتمالی تنش یا درگیری ایالات متحده با هر یک از این دشمنان را که منجر به دخالت دیگری می‌شود، افزایش می‌دهد. چین با توجه به اهداف جاه‌طلبانه و توانایی‌ها و نفوذ قدرتمندش در جهان، در این همسویی و اهمیت جهانی آن نقش اساسی دارد.

با این وجود، همکاری دشمنان ایالات متحده ناهموار بوده و عمدتاً ناشی از منافع مشترک آنها در دور زدن یا تضعیف قدرت ایالات متحده، چه اقتصادی، چه دیپلماتیک یا نظامی بوده است. نگرانی‌ها در مورد کنترل تشدید تنش و رویارویی مستقیم



با ایالات متحده، و همچنین برخی منافع سیاسی متضاد، سرعت و دامنه این روابط را تعدیل کرده است. با این حال، رهبران احتمالاً به دنبال فرصتهایی برای همکاری، به ویژه در زمینه‌هایی که مزایای متقابل وجود دارد و فاقد راه‌های دیگری برای دستیابی به اهداف خود در قبال یا مقاومت در برابر ایالات متحده به تنهایی هستند، ادامه خواهند داد.

روسیه به ویژه با افزایش وابستگی به سایر کشورها برای اهداف و نیازهای خود، از جمله (اما نه محدود به) اوکراین، کاتالیزوری برای روابط رو به رشد بوده است. مسکو همکاری نظامی خود را با سایر کشورها، به ویژه پیونگ یانگ و تهران، تقویت کرده است. روسیه همچنین روابط تجاری و مالی خود را، به ویژه با چین و ایران، گسترش داده است تا اثر تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی را کاهش دهد.

جمهوری خلق چین از طریق پشتیبانی از پایگاه صنعتی دفاعی مسکو، از جمله ارائه مواد و قطعات دو منظوره برای تسلیحات، به جنگ روسیه در اوکراین کمک اقتصادی و امنیتی می‌کند. حمایت چین توانایی روسیه را برای جبران خسارات مادی در جنگ و آغاز حملات به اوکراین بهبود بخشیده است. تجارت بین چین و روسیه از زمان آغاز جنگ در اوکراین افزایش یافته و به مسکو کمک می‌کند تا در برابر تحریم‌های آمریکا مقاومت کند. ایران به یک تامین‌کننده نظامی کلیدی برای روسیه، به ویژه پهپادها تبدیل شده است و در مقابل، مسکو پشتیبانی نظامی و فنی را برای پیشبرد تسلیحات، اطلاعات و قابلیت‌های سایبری ایران به تهران ارائه کرده است.

کره شمالی مهمات، موشک‌ها و هزاران نیروی رزمی را برای حمایت از جنگ روسیه علیه اوکراین به این کشور ارسال کرده است، که این امر را به عنوان اجرای تعهدات مندرج در پیمان مشارکت راهبردی جامع که پیونگ یانگ و مسکو در ژوئن ۲۰۲۴ اعلام کردند، توجیه می‌کند. همکاری بین چین و روسیه بیشترین پتانسیل را برای ایجاد خطرات پایدار برای منافع ایالات متحده دارد. رهبران آنها احتمالاً بر این باورند که با توجه به این باور مشترک که ایالات متحده در تلاش است تا هر دو دشمن را محدود کند، با هم توانایی بیشتری برای مقابله با تجاوزات ادعایی ایالات متحده دارند. حداقل برای یک دهه، پکن و مسکو از فعالیت‌های نظامی مشترک سطح بالا عمدتاً برای نشان دادن قدرت روابط دفاعی چین و روسیه استفاده کرده‌اند. این رابطه در طول جنگ روسیه و اوکراین عمیق‌تر شده است و چین تجهیزات دو منظوره و قطعات تسلیحاتی را برای حفظ عملیات رزمی به روسیه ارائه می‌کند.

روسیه صادرات نفت و گاز طبیعی مایع (LNG) خود را به چین در تلاش برای حفظ درآمد در مواجهه با تحریم‌های کشورهای غربی افزایش داده است. چین از همکاری فزاینده خود با روسیه برای دستیابی به حضور قوی‌تر در قطب شمال و مشروعیت بخشیدن به نفوذ خود در آنجا استفاده می‌کند. یکی از زمینه‌های همکاری، تولید کشتی‌های یخ شکن توسط چین است که عبور ایمن از آب‌های قطب شمال را ممکن می‌سازد. دو کشور احتمالاً گشت‌های بمبافکن مشترک و عملیات دریایی را در منطقه قطب شمال گسترش خواهند داد تا همکاری خود را نشان دهند و آن را ملموس‌تر کنند.



کانال تلگرامی روندنگار بین الملل
@Ravandnegarr